

## الگوی شش ضلعی حکمرانی ج.ا.ا در فضای مجازی

متن سخنرانی حجت الاسلام دکتر رضا غلامی در محل مجمع عالی علوم انسانی اسلامی، ۴ تیرماه ۱۳۹۸

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، الصلاه والسلام على رسول الله و على آله الطيبين الطاهرين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين

ضمن عرض سلام خدمت حضار گرامی، تشکر می کنم از مجمع عالی علوم انسانی اسلامی که فرصت ارائه این بحث مهم را برای حقیر فراهم کردند. همانطور که می دانید، موضوع بحث بنده در این نشست، پیشنهاد الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی است که من نام آن را «الگوی شش ضلعی» گذاشته ام. برای ارائه این بحث، ابتدا یک بحث مقدماتی در باب اهمیت فوق العاده فضای مجازی و نسبت آن با انقلاب اسلامی دارم؛ سپس اصول راهبردی جمهوری اسلامی ایران درباره فضای مجازی را مطرح می کنم و در نهایت انشاءالله خود الگو و اضلاعش را به مثابه الگوی مطلوب حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی تشریح خواهم کرد.

در شروع بحث و به عنوان مقدمه، چند مطلب مهم و تعیین کننده که نقش مهمی در درک مباحث خواهد داشت را خدمتتان مطرح می کنم:

**یک.** باید بدانیم با چه پدیده مهمی روبرو هستیم. هرچند من فضای مجازی را جهان دوم تلقی نمی کنم اما نمی توان انکار کرد که فضای مجازی تقریباً در همه سطوح زندگی فردی و اجتماعی مردم جهان نفوذ کرده و در آینده نزدیک، نفوذ خود را در چند گام تازه، تکمیل خواهد کرد. در واقع، فضای مجازی در حال ایجاد یک تمدن جدید بشری است که نه فقط از تمدن های قبلی به مراتب پیشرفته تر و در عین حال پیچیده تر است، بلکه علاوه بر سرعت برق آسای خود، فراگیر تر است یعنی دایره هضم و جذب آن از تمدن غرب مدرن بیشتر است.

**دو.** روشن است که فضای مجازی از بطن مدرنیته متولد شده است. یعنی با وجود آنکه از آن به عنوان تمدن جدید تعبیر شده، اما منقطع یا در عرض مدرنیته نیست بلکه در طول مدرنیته است. بنابراین، هم جهان بینی حاکم بر فضای مجازی، جهان بینی سکولار است و هم به تبع آن، ایدئولوژی زائیده از آن یک ایدئولوژی سکولار است. لذا وقتی گفته می شود که فضای مجازی یک پدیده مدرن است، یعنی با ابتناء به اصول مدرنیسم شکل گرفته و به جلو می رود. البته من تسلط اصول مدرنیسم در فضای مجازی را مطلق نمی دانم و از همین جهت معتقدم شورش علیه

ایدئولوژی فضای مجازی و تغییر در آن ممکن است؛ پس می توان گفت، جمهوری اسلامی ایران، همچنان که با تصرف نسبی در فناوری های مدرن به نفع اهداف خود از آنها استفاده کرده است، در فضای مجازی نیز این تصرف و بهره برداری ممکن است هرچند نباید جانب احتیاط را از دست داد.

**سه.** همانطور که در ابتدا اشاره کردم، تلقی من از فضای مجازی، شکل گیری یک جهان جدید در مماس یا در بطن جهان واقع نیست. اصولاً تعبیر مجازی یا virtual کمی فریبنده است و این تصور را بوجود می آورد که فضای مجازی بیرون از جهان واقع خلق شده و زیستی خارج از جهان واقع را شکل می دهد، لکن از نظر من، هر آنچه در فضای مجازی رخ می دهد، حتی آنچه از آن به محیط های شبیه سازی شده، کاملاً خیالی و متفاوت از جهان واقعی تعبیر می شود، نه فقط مبدأ آن جهان حقیقی است بلکه مقصد و انتهای آن هم جهان واقعی است و اگر جهان واقعی نباشد، کالعدم است. ممکن است بعضی این مجاز را با مجاز فلسفی مقایسه کنند، و بر اساس آن فضای مجازی را امری غیر واقعی توصیف کنند این در حالی است که در مجاز فلسفی، ایجاد کلی در ذهن نیز بالعرض وجود عینی دارد هرچند مصداق ذاتی وجود تلقی نمی شود. پس هر آنچه در ذهن متولد می شود وجود واقعی دارد با این ملاحظه که نه فقط منشأ آن جهان واقع است بلکه می تواند آثار بزرگی در جهان واقع داشته باشد. البته از آنجا که فضای مجازی یک محیط فیزیکی است، عینیت در آن از جهات زیادی با عینیت در ذهن انسان متفاوت است.

**چهار.** فضای مجازی دارای ویژگی ها و مؤلفه هایی است که اگر این مؤلفه ها عمیقاً درک نشود، مواجهه درست با آن را ناممکن می سازد. یکی آنکه فضای مجازی، «شبکه ای» است. شبکه یعنی یک سیستم درون پیوندی تا حدی شبیه مغز و سلسله اعصاب در بدن انسان که افراد و گروه ها را در این فضا به هم متصل می کند. باید توجه داشت که با ظهور فناوری هوش مصنوعی و حضور تمام قد آن در فضای مجازی، این شبکه به مراتب از قبل پیچیده تر خواهد شد. ویژگی دیگر، «تعاملی» است. یعنی تولید محتوا در فضای مجازی مانند رسانه های سنتی یک طرفه نیست که یک کسی محتوایی را تولید و دیگران آن را مصرف کنند بلکه در این فضا همه حتی کوچک ترین کاربر در مقام تولید کننده قرار دارد و حتی ممکن است تولیدی بکند که از محصول یک کمپانی بزرگ تولیدی، هم بیشتر دیده شود و هم اثر بیشتری داشته باشد. از سوی دیگر، به مدد شبکه ای بودن فضای مجازی، هر محصولی این قابلیت را دارد که بدون هرگونه محدودیتی در تمام فضای مجازی منتشر شود. ویژگی بعدی، «فراسرزمینی» بودن فضای مجازی است. فراسرزمینی بودن یعنی اینکه مرزهای جغرافیایی و محدودیت های اعتباری ناشی از نظم سیاسی

دولت-ملت، مانع از کارکرد شبکه ای فضای مجازی نیست. حتی باید گفت که هر چند جغرافیا و حاکمیت ملی در فضای مجازی هنوز اثرگذار است اما می توان در آینده نزدیک، شاهد شرایطی بود که حاکمیت ملی حداقلی شده، و در مواردی از بین رفته باشد و جای آن را حاکمیت شبکه ای بگیرد. در اینصورت، کسانی که بر شبکه از جهات تکنیکی یا محتوایی تسلط دارند، جهان را تحت مدیریت خود قرار خواهند داد. ویژگی دیگر، «فردگرایی مضاعف» است. فردگرایی مضاعف با فردگرایی به معنای individualism و تبعات جامعه شناختی و روان شناختی آن نسبت تنگاتنگی دارد اما معنای آن به نحو فراتر، ناظر به گسترش قلمرو فرد در فضای مجازی است. ممکن است کسی بگوید، در شرایطی که یکی از مؤلفه های فضای مجازی شبکه ای شدن است، چگونه قلمرو فرد در فضای مجازی گسترش پیدا می کند؟ در پاسخ می گوییم، فرد در عین حال که در شبکه و محیط همگرا زیست می کند اما می تواند منویات خود را مستقل از جمع و به نحو واگرا پیش ببرد. بنابراین، شما در فضای مجازی با افرادی روبرو هستید که هر چند به ظاهر در جمع هستند و از بعضی خواص جمع سود می برند، اما خطی مستقل و حتی در مواردی معارض با گرایشات جمع را دنبال می کنند و به اهداف خود نیز می رسند. ویژگی بعدی، «صدق گریزی» است. یک وجه صدق گریزی به هویت های جعلی و غیر واقعی در فضای مجازی برمی گردد اما از نظر من، صدق گریزی ابعاد وسیع تری دارد. اصولاً قابلیت های موجود در فضای مجازی، بستر مساعد را برای رشد ویروس دروغ و فریب مهیا می کند و این استعداد را دارد که افکار عمومی جهان را از حقایق دور کند. البته این ویژگی ذاتی فضای مجازی نیست اما اهمیت زیادی دارد.

**پنج.** در حال حاضر، فضای مجازی به سرعت در حال گذار است. یعنی عموماً به شکل خطی از یک فناوری به فناوری دیگر که نسبت به فناوری قبلی برتری دارد، منتقل می شود. حتی بعضی ها از انتقال فضای مجازی به فناوری های جدید مانند وب معنا یا وب هوشمند، به انقلاب در فضای مجازی تعبیر کرده اند اما آنچه مسلم است، منظور از انقلاب، شورش علیه بنیادهای فضای مجازی و شکل گیری فضای مجازی جدید نیست، بلکه منظور، قدرت فزاینده برای رشد و توسعه جهشی است تا حدی که نه فقط ظاهر جدیدی در فضای مجازی حاکم می شود بلکه بخش مهمی از مناسبات در این فضا نیز دستخوش تغییر می شود و به تبع آن زندگی فردی و جمعی انسان ها را متحول می کند. فضای مجازی با وب ۱ یا وب یکسویه شروع شد اما به وب تعاملی یا وب ۲ منتقل شد و سپس خیلی سریع وب ۳ یعنی وب معنایی ظهور کرد. امروز هم شاهد پیدایش وب ۴ یا وب هوشمند هستیم که نه فقط ابزارها و اشیاء را

هوشمند می کند، بلکه داده ها و محیط را هم هوشمندسازی می کند و حتماً آینده جدید و شگفت آوری را برای فضای مجازی رقم خواهد زد. بنابراین، فضای مجازی چه از جهت تکنیکی و چه از جهت محتوایی یک فضای پویاست و تسلط بر آن نیز به افکار پویا نیازمند است.

**شش.** امروز مقدرات فضای مجازی در اختیار شرکت های بزرگ و فراملیتی است نه دولت های بزرگ. البته این سخن به مفهوم آن نیست که دولت ها در فضای مجازی هیچ کاره اند یا نقش ناچیزی دارند اما واقعیت فضای مجازی گویای این است که شرکت های فراملیتی تا حد زیادی جای دولت ها را گرفته اند هرچند دولت هایی که بر روی این شرکت ها از جهات سرزمینی، امنیتی و یا فکری تسلط دارند، فعلاً برنده این صحنه به حساب می آیند با این ملاحظه که معلوم نیست این دولت ها همیشه بتوانند از حربه های سرزمینی، امنیتی و حتی فکری به نفع سلطه خود بر شرکت ها سود ببرند. با این حال، امروز قلب فضای مجازی از جهت زیرساختی و فنی در ایالات متحده است و پایگاه مرکزی عمده شرکت های غول در این کشور است و لذا ایالات متحده به طور طبیعی بر روی شرکت های بزرگ تسلط دارد اما بحث من یک بحث فکری است؛ یعنی بینیم امروز کدام تفکر، فضای مجازی را حتی در کشورهای اروپایی و آسیایی در قبضه دارد و شرکت های بزرگ و فراملیتی از جهت فکری به کدام طرز تفکر وابسته اند؟ با یک نگاه گذرا به آرایش این شرکت ها، روشن می شود که نوعی تفکر امریکایی - صهیونیستی بر اکثر شرکت های فراملیتی در فضای مجازی سایه انداخته است. برای مثال، در سال ۲۰۱۶ میلادی، هر ۵ شرکت بزرگ که نزدیک به ۵۵ درصد از اقتصاد فضای مجازی را در اختیار دارند - هرچند خود را فراملیتی معرفی می کنند - اما زیر چتر تفکر امریکایی - صهیونیستی قرار دارند. اپل، الفابت، مکروسافت، آمازون و فیس بوک شرکت های غولی به شمار می روند عملاً بر فضای مجازی حکمرانی می کنند. از طرف دیگر، بزرگ ترین اندازه بازارهای جهانی طی ۲۰ سال گذشته در عرصه های مختلف از کامپیوتر و خدمات میزبانی و اینترنت گرفته تا کلود داده های بزرگ، اینترنت اشیاء و غیره متعلق به امریکایی ها و پیروان فکری آنها در جهان است.

**هفت.** با وجود قدرت فزاینده ای که امریکایی ها در فضای مجازی دارند نباید قدرت آنها را بلامنازع دانست. امریکایی ها با وجود نقاط قوتشان در فضای مجازی، نقاط ضعف زیادی هم دارند که فرصت هایی را برای عرضه اندام رقبا یا مخالفان آنها فراهم کرده است. کافی است پدیده تک اینترنتی با حکمرانی امریکایی ها مثلاً به پدیده دو اینترنتی با محوریت چینی ها، روس ها و ایرانی ها تبدیل شود و موفق شوند تا تنها ۲۰ درصد از جمعیت کاربران

دنیا را به سمت خود جذب کنند، در اینصورت شرایط همچنان به نفع امریکایی ها رقم نخواهد خورد. از سوی دیگر، اصولاً ماهیت شبکه ای و تعاملی فضای مجازی، در عین حال که موقعیت سودآوری را برای شرکت های امریکایی بوجود آورده است، بستر مساعدی را هم برای رخنه و رشد مخالفان تفکر امریکایی - صهیونیستی در فضای مجازی حتی محیط های صد در صد امریکایی مهیا نموده است بطوریکه اگر امریکایی ها سیاست سانسور و حذف مخالفان خود را از یک حدی بالاتر اجرا کنند، عملاً محیط کسب و کار خود را متزلزل و نا امن کرده اند؛ بنابراین، امریکایی ها چاره ای ندارند که مخالفان خود را در فضای مجازی تحمل کنند ضمن آنکه سیاست سانسور و حذف در فضای مجازی که هویت ها متکثر و در موارد بسیاری مخفی است، کار ساده ای نیست. یک موضوع دیگر هم که نباید از نظرها دور بماند، وجود زمینه کشاندن بعضی از امور سرنوشت ساز مربوط به فضای مجازی به مجامع بین المللی است. امروز امریکایی ها حاکم اول و آخر فضای مجازی شده اند، خودشان برای دیگران سهم تعیین می کنند و به هیچ کس هم پاسخگو نیستند، این در حالی است که اکثر کشورها خواهان سهم عادلانه در این فضا هستند و ترجیح می دهند به نحوی مجامع بین المللی - با همه ایراداتی که دارند - در این عرصه نقش آفرینی کنند. بنابراین، یکی از اقدامات مؤثری که برای تضعیف سلطه امریکایی ها در فضای مجازی باید دنبال شود، وارد کردن پای مجامع بین المللی به این میدان است.

**هشت.** محور و چتر بالای سر فضای مجازی، عمدتاً اقتصادی است. البته هنوز حجم تجارت و گردش مالی در فضای مجازی به یک - سوم حجم تجارت و گردش مالی در بازارهای سنتی جهان نمی رسد اما سرعت رشد اقتصاد فضای مجازی بسیار بالاست و چه بسا طی ۱۰ سال آینده گردش مالی در فضای مجازی به پای گردش مالی در بازارهای سنتی برسد و یا حتی از آن عبور کند. از سوی دیگر، بخش مهمی از محصول عملیات جاسوسی اطلاعات در فضای مجازی یا ما حاصل عملیات جهانی شدن گرایش ها و میل ها از طریق فضای مجازی، در خدمت اقتصاد است و شرایط بی نظیری را برای رشد غول های اقتصادی دنیا ایجاد کرده است. نکته ای که نباید از نظر دور بماند این است که فضای فرهنگی و سیاسی در فضای مجازی نیز به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در خدمت اقتصاد است و فرمول های کسب و کار بر عمده سرویس های بزرگ در فضای مجازی احاطه دارد، بنابراین، می توان گفت که نه فقط انگیزه اصلی حکمرانان فضای مجازی اقتصادی است بلکه حتی کارهایی که به ظاهر غیر اقتصادی

است برآیند آن اقتصادی است به نحوی که فعالیت در فضای مجازی خارج از ریل اقتصادی به سختی با موفقیت توأم خواهد شد.

**نه.** وقتی چتر بالای سر فضای مجازی عمدتاً اقتصادی بود، روشن است که بازیگران اصلی فضای مجازی نه فقط از آن جهت که فضای مجازی ماهیت شبکه ای و فرامرزی دارد، بلکه از آن جهت که فرمول های کسب و کار در دنیا بر اساس بازار آزاد طراحی شده است، شرکت های بزرگ غیر دولتی هستند. یعنی دولت ها اگر مجال بازیگری هم داشتند، میدان را به نفع شرکت های غیر دولتی باز می کردند این در حالی است که اصولاً دولت ها در فضای مجازی مجال برای عرضه اندام ندارند. با این ملاحظه، اقتصاد شرکتی آن هم از جنس دانش بنیان، اقتصادی است که با انعطاف پذیری بالا در فضای مجازی بازیگری می کند و از آنجا که بازیگری در فضای مجازی مساوی است با قانون گذاری، روشن است که هر قدر شرکت ها بزرگ تر باشد، سهم بیشتری از قانون گذاری در فضای مجازی را به خود اختصاص خواهند داد. اگر به حرکت گوگل طی دهه اخیر توجه کنیم، روشن می شود که این شرکت همواره با شناسایی و خرید دهها شرکت پر ظرفیت در فضای مجازی، به دنبال گسترش قلمرو خود در همه عرصه ها و حکمرانی حداکثری بر فضای مجازی بوده است.

**۵۵.** روشن است که شکل گیری فضای مجازی برای انقلاب اسلامی که انگیزه تمدن سازی و جهانی شدن دارد، یک فرصت طلایی است. به بیان دیگر، من معتقدم شکسته شدن مرزهای فیزیکی و کمرنگ شدن نظم دولت-ملت بیش از آنکه برای انقلاب اسلامی تهدید باشد، فرصت است و روح تازه ای را به حرکت جهانی انقلاب اسلامی می بخشد. با این حال، همانطور که اشاره شد، سلطه فزاینده امریکایی ها در این عرصه غیر قابل انکار است و اگر فکری برای مهار قدرت امریکایی ها و تقویت بنیه جمهوری اسلامی در فضای مجازی نشود، نه فقط از فرصت های طلایی فضای مجازی نمی توان استفاده کرد، بلکه موجودیت انقلاب اسلامی به خطر خواهد افتاد. در این شرایط، اول از همه باید طرز تفکر واداده که قائل به لزوم هضم در فضای مجازی فعلی با هدف بقاء است به انزوا کشیده شود. آن طرز تفکری باید در متن جمهوری اسلامی باشد که نه فقط هضم شدن در فضای مجازی را قبول نداشته باشد، بلکه با ادراک مزیت های جمهوری اسلامی و در نقطه مقابل، نقاط ضعف امریکایی ها در فضای مجازی، امکان رقابت با امریکایی ها در این میدان را با کمک جهان اسلام و همچنین کشورهای مشترک المنافع امکان پذیر بداند. ممکن است کسی بگوید، اندازه سرمایه گذاری ما در مقایسه با امریکایی ها در فضای مجازی در خوش بینانه ترین وجه،

یک به هزار هم نیست، آنوقت چگونه می توان توقع داشت که جمهوری اسلامی ایران خود را در موقعیت رقابت با امریکایی ها در نظر بگیرد؟ در پاسخ می توان گفت که نوع رقابت ما با امریکایی ها نباید رقابت کلاسیک باشد بلکه آن رقابتی با امریکایی ها موفقیت آمیز خواهد بود که نامتقارن و ناظر به نقاط ضعف امریکایی ها در فضای مجازی طراحی شود ضمن آنکه ما در این میدان تنها نیستیم و می توانیم شرکای قدرتمندی را برای خود پیدا کنیم که هرچند ممکن است در محتوا با انقلاب اسلامی همسو نباشند لکن در انهدام سلطه فناوری و اقتصادی امریکایی ها در فضای مجازی با ما به صورت مقطعی یا دائم در یک خط قرار دارند.

**یازده.** نباید از نظر دور داشت که امروز فضای مجازی به مهم ترین ابزار جنگ فرهنگی و حتی سیاسی، اقتصادی و امنیتی امریکایی ها علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. در واقع، وقتی از فضای مجازی صحبت می کنیم، با یک شرایط معمولی روبرو نیستیم بطوریکه جمهوری اسلامی ایران از این جهت با کمتر کشوری قابل مقایسه است. حتی مسأله چین و روسیه با امریکایی ها و عمق درگیری آنه در فضای مجازی، با مسأله و عمق درگیری جمهوری اسلامی با امریکایی ها در فضای مجازی یک جنس و یک اندازه نیست. در این شرایط، طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران نه فقط باید قدرت دفاعی خود را در درجه اول در محیط سرزمینی اش برای مقابله با هجمه امریکایی ها بالا ببرد، بلکه باید توان خود را برای بازدارندگی دائماً افزایش دهد. البته موقعیت جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی صرفاً به جغرافیای سیاسی ایران محدود نیست و پیروان جمهوری اسلامی ایران در مناطق دیگر را هم شامل می شود اما فعلاً نقطه کانونی هجمه ها ایران است. اگر سؤال شود که استراتژی اصلی امریکایی ها در هجمه های خود به در فضای مجازی ایران -حداقل طی ۵ سال گذشته- چه بوده است، در پاسخ می توان گفت که جذب ایرانیان در شبکه های اجتماعی تحت سیطره امریکایی ها و انجام عملیات روانی بر روی آنها برای جدا شدن مردم از نظام اسلامی، آن چیزی است که امریکایی در ۵ سال گذشته با صرف انرژی زیاد دنبال کرده اند. این استراتژی به مراتب از استراتژی مختل کردن تأسیسات کشور از طریق حملات سایبری برای امریکایی ها مهم تر است هرچند در این زمینه هم کارهای مفصلی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شده که بخش مهمی از آنها خنثی شده است. حتی ممکن است فکر تحریم اینترنت برای ایرانی ها از ذهن امریکایی ها عبور کرده باشد لکن مادام که فضای مجازی مسیر ضربه زدن به جمهوری اسلامی را برای آنها هموار می کند، آنها تحریم ایران در این زمینه را از

حد یک تحریم تبلیغاتی جلوتر نمی برند کما اینکه سالهاست مثلاً بعضی از سرویس های کم اهمیت گوگل برای ایرانیان غیرفعال شده است.

**دوازده.** این سؤال مطرح است که مزیت اصلی جمهوری اسلامی و آنچه می تواند شرایط ابتکار عمل در فضای مجازی را برای ما بوجود آورد چیست؟ من در پاسخ عرض می کنم که ما چاره ای جز سرمایه گذاری های بزرگ و تقلا برای رشد زیرساختی و همچنین رشد فناورانه در این عرصه نداریم اما روشن است که به دلیل فاصله ای که در این زمینه با امریکایی ها داریم و سرعت برق آسایی که رشد فناوری ها در فضای مجازی دارند، لااقل از مسیرهای عادی نخواهیم توانست به سرعت به مرز فناوری های حاضر در فضای مجازی برسیم. به همین دلیل، ما باید در کنار پیدا کردن میانبر و تقلا برای رشد جهشی فناوری، به دنبال یک مزیت ویژه برای خودمان باشیم که دیگران خصوصاً امریکایی ها از آن برخوردار نباشند و از طریق آن بتوانیم خیلی زود شرایط را چه در داخل کشور و چه در سطح جهانی به نفع خودمان تغییر دهیم. به نظر من، محتوای ایدئولوژیک ما، همان مزیتی است که باید به صورت قوی و هنرمندانه از آن در جهت تغییر شرایط استفاده کرد. محتوای ایدئولوژیک ما همان نیرویی است که امریکایی ها در برابر آن از خود نابدباری نشان می دهند و حاضرند هزینه های هنگفت سانسور و حذف آن در فضای مجازی را پرداخت کنند. در واقع، ما باید علاوه بر حضور فعال و اثرگذار در فضای مجازی تحت سیطره امریکایی ها و تولید محتوای ایدئولوژیک خود در این فضا، وارد فاز ایجاد مناطق جدید و جذب کننده ای در فضای مجازی بشویم تا خارج از اپلیکیشن های امریکایی بتوان به سمت تولید و انتشار زیرپوستی محتوای ایدئولوژیک خود برای مخاطب جهانی حرکت کرد. باید توجه داشت که منظور از این مناطق صرفاً مناطقی با کارکرد فرهنگی یا سیاسی نیست بلکه می توان این مناطق را کاملاً اقتصادی تعریف کرد و تولید و انتشار محتوای ایدئولوژیک را یک امر غیر مستقیم و زیرپوستی در نظر گرفت.

### **اصول راهبردی جمهوری اسلامی در مواجهه با فضای مجازی**

بعد از مقدمه نسبت طولانی اما ضروری، نوبت به بیان اصول راهبردی حاکم بر حکمرانی جمهوری اسلامی در فضای مجازی می رسد. این اصول، هم جمع بندی مقدمه ای است که عرض شد، هم نکات تازه ای است که ناظر به تفکر کلان جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با فضای مجازی در قالب اصول راهبردی قابل طرح می باشد:

#### **اصل اول: فرصت نگری به فضای مجازی**

فضای مجازی هم فرصت است و هم تهدید و میزان فرصت و تهدید و غلبه هر یک بر دیگری، به بُنیه ما از جهات تکنیکی و محتوایی برمی گردد. اگر بُنیه قوی ای داشته باشیم، فرصت ها بر تهدیدها غلبه می کند و اگر بُنیه ضعیفی داشته باشیم، تهدیدها بر فرصت ها غلبه پیدا می کند اما آنچه مسلم است، در یک نگاه کلان، فضای مجازی برای جمهوری اسلامی و مأموریت های بزرگ و تاریخی آن، یک فرصت ارزشمند است و باید هر طور که شده از آن به صورت حداکثری در جهت اهداف خود استفاده کند.

### **اصل دوم: صیانت از مرزهای ملی و دینی**

با آنکه ما کمرنگ شدن نظم سیاسی دولت- ملت را با نگاه تمدنی و در دراز مدت یک فرصت تلقی می کنیم اما فعلاً برای جمهوری اسلامی حفظ مرزهای سرزمینی و به طریق اولی پاسداری از مرزهای عقیدتی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و به لذا طبیعی است که در این مقطع نباید از هیچ کوششی برای تقویت حاکمیت خود در چارچوب نظم سیاسی دولت- ملت و تأمین منافع ملی در این عرصه دریغ داشته باشد. بنابراین، ایجاد شبکه ملی اطلاعات و خوداتکایی در این مسیر، به علاوه ایجاد پدافند غیر عامل و حتی خلق قدرت بازدارندگی در جهت خنثی سازی هجمه های خصومت و رزانه جریان امریکایی- صهیونیستی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

### **اصل سوم: حمایت از حقوق و آزادی های مشروع مردم در فضای مجازی**

برای جمهوری اسلامی هیچ چیزی نباید مهم تر از دفاع و پشتیبانی از حقوق و آزادی های مشروع مردم در فضای مجازی تلقی شود. لذا ایجاد بسترها و مکانیزم های تحقق مردم سالاری و عدالت همه جانبه و گسترش فرصت های فعالیت های سواور در کنار سالم سازی فضای مجازی از آلودگی های اخلاقی، عقیدتی و سیاسی یک اصل مهم در مواجهه جمهوری اسلامی با فضای مجازی محسوب می شود.

### **اصل چهارم: مواجهه فراملی با فضای مجازی**

ما نباید به سمت جزیره گرایی و خود منزوی سازی در فضای مجازی حرکت کرده و کشور و انقلاب اسلامی را از فرصت های بی شمار فضای مجازی محروم کنیم، بنابراین، جا دارد در کنار صیانت از مرزهای ملی و دینی، حضور جمهوری اسلامی در فضای مجازی جهانی با هدف ارتباط و تعامل سازنده با ملت ها، پالایش فضای مجازی از

آلودگی ها، شکستن هیمنه جریان امریکایی- صهیونیستی و همچنین گسترش کسب و کار در فضای مجازی به رویکرد غالب کشور در فضای مجازی تبدیل شود.

#### **اصل پنجم: سلطه گریزی و عدالت طلبی در فضای مجازی**

سلطه جریان امریکایی- صهیونیستی در فضای مجازی فراتر از به خطر انداختن منافع ملی، مانع از ادامه حیات و پیشروی خط متعالی انقلاب اسلامی در سطح داخلی و جهانی می شود. البته امروز حتی برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان هم نسبت به لزوم مقابله با سلطه امریکایی ها در فضای مجازی باور پیدا کرده اند و با اهداف متفاوتی آن را دنبال می کنند لکن آنچه مسلم است، از بین رفتن این سلطه برای جمهوری اسلامی چه از جهت سیاسی و اقتصادی، و مهم تر از آن، از جهت فکری و فرهنگی یک امر صد در صد حیاتی است. با این ملاحظه، از یک طرف، تلاش همه جانبه برای کاهش دایره اختیارات نامشروع امریکایی ها در فضای مجازی و از طرف دیگر، پیگیری برای تحقق سیاست دو اینترنتی در جهان از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

#### **اصل ششم: تبدیل شدن به بازیگری بزرگ در فضای مجازی**

چنانچه در مقدمه اشاره شد، امروز قانون گذاران اصلی در فضای مجازی شرکت های غولی هستند که نه فقط نقش اصلی در نوآوری های فناورانه در این عرصه دارند، بلکه بیشترین سهم را در اقتصاد فضای مجازی به خود اختصاص داده اند، بنابراین، زمینه سازی برای شکل گیری شرکت های عظیم فراملی با هدف کسب سهم جدی توسط جمهوری اسلامی، و تبدیل شدن به یکی از قانون گذاران عمده در فضای مجازی یک اصل راهبردی مهم به شمار می رود.

#### **اصل هفتم. مردم گرایی در فضای مجازی**

در نظام مردم سالاری دینی، نه فقط تأمین منافع و مصالح حقیقی مردم یک حق محسوب می شود، بلکه مردم نقش تماشاگر یا نقش تصنعی در امور کشور ندارند و باید زمینه برای مشارکت واقعی و مؤثر آنها فراهم شود. از همین جا، موضوع ارتقاء دانش و پیش مردم در قبال فضای مجازی و سپس حضور و نقش آفرینی پررنگ آنان در این فضا قابل طرح است با این تفاوت که مردم در فضای مجازی نقش ذاتی دارند؛ یعنی فضای مجازی بدون مردم بی معناست. در عین حال، به نظر می رسد در ارتباط با فضای مجازی، اولاً، خط جمهوری اسلامی - بر خلاف خط

جریان امریکایی - صهیونیستی - خط ناهوشیارسازی مردم و تبدیل آنان به بازار پرسود مصرف نیست و لذا حضور مردم در فضای مجازی یک حضور آگاهانه و مؤثر است و ثانیاً مدد خواهی از مردم آن هم توده مردم در همه زمینه ها به ویژه برای جریان سازی های عظیم و مبتکرانه محتوایی، قدرت کشور برای مواجهه فعال با فضای مجازی را چه در سطح داخلی و چه در سطح جهانی به نحو فزاینده ای بالا خواهد برد.

#### **اصل هشتم. اخلاق گرایی و صیانت از کرامت انسانی در فضای مجازی**

نباید تردید داشت که فضای مجازی مسموم و فاسد نه فقط برای مردم ما، بلکه برای مردم دنیا مخرب است و دراز مدت تهدیدهای این فضا را بر فرصت های آن مسلط خواهد ساخت. از طرف دیگر، انسان در فضای مجازی باید از هرگونه تحقیر و از همه بدتر، مسخ در امان بماند و کرامت او کاملاً صیانت شود. بنابراین، ترویج اخلاق و کرامت انسانی و از آن بالاتر، گنجاندن اخلاق و کرامت انسانی در معادلات ریز و درشت فضای مجازی - درست مانند خونی که در رگ های انسان در حرکت است، - یک اصل راهبردی مهم محسوب می شود.

#### **اصل نهم. محوریت پیام در فضای مجازی**

هرچند تأمین زیرساخت های فنی لازم و همچنین نوآوری های فناوری در فضای مجازی و به طور کل، تقویت بُنیه کشور در این زمینه یک اصل مهم و راهبردی محسوب می شود اما نباید فراموش کرد که همه این ها برای جاری شدن آشکار و پنهان پیام های ایدئولوژیک ما در فضای مجازی است. با این ملاحظه، جمهوری اسلامی باید نوع نگاه خود را به محتوا در فضای مجازی ارتقاء داده و به هنری دست پیدا کند، که حتی در بطن و زیرپوست داده های اقتصادی نیز پیام های ایدئولوژیک که مهم ترین آن سبک زندگی اسلامی است، قابل ارائه باشد.

#### **اصل دهم. تعامل و همکاری با کشورها و ملت های همسو**

ما به تنهایی نمی توانیم خیلی از اهدافمان را در فضای مجازی محقق کنیم ضمن آنکه نباید خود را در جهان تنها فرض کرده یا دایره ارتباط و تعامل خود را به همفکران عقیدتی مان محدود کنیم. آنچه مسلم است، امروز کشورها و ملت های معترض به جریان امریکایی - صهیونیستی در فضای مجازی در حال افزایش هستند و این موضوع چه برای ایجاد سرمایه راه اندازی شرکت های غول فراملی و چه برای شکل گیری ائتلافی به رهبری ایران در جهت تأمین عدالت در فضای مجازی می تواند فوق العاده کارساز تلقی شود.

## ایده جامع حکمرانی و پیش نیاز تحقق آن

بر اساس آنچه به عنوان اصول راهبردی جمهوری اسلامی بیان شد، در ادامه بحث مایلم از الگوی شش ضلعی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی که یک الگوی پیشنهادی است، پرده برداری کنم. در سال های اخیر و با وجود تأسیس شورای عالی فضای مجازی و زحمات زیادی که دلسوزان این میدان در زمینه تغییر موقعیت جمهوری اسلامی در مواجهه با فضای مجازی کشیده اند، ما هیچوقت «ایده جامعی» برای حکمرانی در این فضا نداشته ایم. البته ایده جامع از طرفی از بطن یک ادارک عمیق و همه جانبه از فضای مجازی و تحولات جهانی در این عرصه زاییده می شود، و از طرف دیگر، زمانی متولد می شود که رویکرد انفعالی به فضای مجازی به رویکرد فعال و مبتکرانه تبدیل شده باشد. بنابراین، شاید این انتظار که کشور ما در سال های قبل به یک ایده جامع درباره حکمرانی رسیده باشد، انتظار به جایی به شمار نیاید. علاوه بر این، روشن است که تحقق ایده جامع نه فقط نیازمند عزم و اراده پولادین، بلکه محتاج یک هدایت، یک هماهنگی، یک مانع برداری و یک هم افزایی جدی در این عرصه است که وظیفه شورای عالی فضای مجازی محسوب می شود. بنابراین، یکی از پیش نیازهای اصلی برای دست یابی به حکمرانی قوی و پیشتازانه در فضای مجازی، اصلاح و تقویت شورای عالی فضای مجازی و نجات آن از دو آفت مهم سطحی گرایی و جناح زدگی است. به بیان دیگر، همه باید بدانند که تحقق ایده جامع جمهوری اسلامی برای حکمرانی در فضای مجازی به فهم عمیق احتیاج دارد و این فهم نباید قربانی تمایلات جناحی دولت ها بشود و هر دولتی هم که سر کار بیاید، می بایست در مسیر تحقق این ایده گام بردارد.

## اضلاع الگوی پیشنهادی برای حکمرانی جمهوری اسلامی در فضای مجازی

### ضلع اول: تکمیل و راه اندازی شبکه ملی اطلاعات

بر اساس طراحی کلان شورای عالی فضای مجازی، شبکه ملی اطلاعات از سه لایه زیرساخت، محتوا و خدمات تشکیل شده است. تاکنون به لطف الهی و با زحمات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، بخش مهمی از لایه اول، یعنی لایه زیرساخت شکل گرفته است. با این وجود، باید کاری کرد تا بر اساس یک نقشه مهندسی دقیق تر، ظرف حداکثر ۲ سال آینده این لایه با همه لوازم آن قابل بهره برداری بوده و تست های لازم روی آن مثبت باشد. لایه زیرساخت به تنهایی می تواند علاوه بر تأمین سطح خوبی از امنیت، اعم از امنیت ملی و امنیت تک تک کاربران چه در حوزه فنی، چه در حوزه اقتصادی و چه در حوزه فرهنگی - سیاسی، فرصت برخورداری از سرعت بالا و قیمت

مناسب را فراهم کند ضمن آنکه شبکه ملی اطلاعات از طریق دروازه های هوشمند خود با فضای مجازی جهانی ارتباط دارد و اتفاقاً فرصت های بیشتر و مقرون به صرفه تری را برای ارتباطات جهانی فراهم می کند. با این وجود، سرمایه گذاری همه جانبه و شروع عملیات شکل گیری لایه دوم و سوم باید در دستور کار شورای عالی فضای مجازی قرار بگیرد تا همزمان با تکمیل لایه اول بخش مهمی از این دو لایه نیز تمام شود. به نظر من، شبکه ملی اطلاعات از مرزهای ملی و دینی ما در فضای مجازی صیانت می کند ضمن اینکه به سالم سازی فضای مجازی و آسوده خاطر سازی خانواده ها و همچنین به رونق کسب و کار در این عرصه هم کمک جدی خواهد کرد.

### **ضلع دوم: شکل دهی به اینترنت دوم یا ایجاد شبکه فراملی اطلاعات**

همانطور که قبلاً اشاره شد، ما باید برای مهار قدرت جریان امریکایی - صهیونیستی، جهان را به سمت شکل گیری اینترنت دوم سوق دهیم. امروز چینی ها، روس ها و خیلی های دیگر از انگیزه لازم برای ورود به این میدان برخوردارند و جمهوری اسلامی می تواند بر کسب منافع مشترک خود با دیگران و البته با حفظ شبکه ملی اطلاعات در بطن اینترنت دوم یا شبکه فراملی اطلاعات، به سهم خود در ایجاد شکاف بین امریکایی ها و دیگران نقش آفرین باشد.

### **ضلع سوم: شکل دهی یک ائتلاف جهانی برای کاهش اختیارات امریکایی ها در فضای مجازی و ایجاد نظام حقوق بین الملل برای فضای مجازی**

روشن است که فضای مجازی در شرایط فعلی به شیوه کت خداگری اداره می شود و کت خدا خود را به هیچ کس پاسخگو نمی داند. شاید بدانید که تا الآن تلاش های زیادی برای کشاندن مسائل فضای مجازی به سازمان ملل و مجامع وابسته به آن از سوی کشورهای مختلف صورت گرفته اما با مخالفت و کارشکنی امریکایی ها روبرو شده است. بنابراین، ما باید با تأسیس معاونت فضای مجازی در وزارت خارجه و تربیت دیپلمات های زبده و شجاع، به سمت ایجاد یا تقویت ائتلاف هایی که خواهان کاهش اختیارات بی حد و مرز امریکایی ها در فضای مجازی هستند، حرکت کنیم و در این زمینه از تأثیر دیپلماسی عمومی هم غافل نباشیم.

### **ضلع چهارم: ایجاد غلبه گفتمانی برای مواجهه معقول و انقلابی با فضای مجازی**

هرگونه موفقیت در تحقق الگوی حکمرانی، مستلزم ایجاد فضای ذهنی مناسب به مفهوم باز شدن یک چتر گفتمانی بسیار قوی بر روی این الگوست. این چتر گفتمانی است که بازیگران داخلی و حتی بین المللی همسو با جمهوری اسلامی و فراتر از آن، کل مردم را به صورت خودجوش با سیاست های جمهوری اسلامی همراه خواهد کرد و موانع را به راحتی از سر راه بر خواهد داشت. ما امروز فاقد این چتر گفتمانی هستیم و حتی اجازه داده ایم گفتمان هایی که با سیاست های جمهوری اسلامی همسو نیستند در جامعه ما رشد کنند. البته ایجاد چتر گفتمانی نه تنها متدلوزی خاص خود را دارد بلکه از لوازمی برخوردار است که یکی از مهم ترین آن، وفاق نظری میان مسئولان ارشد کشور است.

### ضلع پنجم: راه اندازی شرکت های عظیم غیردولتی با رویکرد فراملی و باز کردن میدان نوآوری

از نظر من، مهم ترین ضلع الگوی شش ضلعی، ضلع پنجم محسوب می شود. چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، لازمه بازیگری در میدان و قرار گرفتن در مقام قانون گذاری، ایجاد بسترهای مساعد برای شکل گیری شرکت های بزرگ دانش بنیان از درون فضاهای استارت آپی است. یعنی جمهوری اسلامی باید با ایجاد صندوق مالی قوی و ارائه تسهیلات درشت، زمینه شکل گیری شرکت های دانش بنیان حول طرح های خلاقانه را فراهم کند. هرچند در ابتدا این شرکت ها در محیط های کوچک و محلی شکوفا می شوند اما باید از قابلیت کار فرامحلی برخوردار باشند. البته از آنجا که کشور ما در معرض یک نفوذ سازماندهی شده از بیرون است، جا دارد بسترسازی برای شکل گیری این شرکت ها کاملاً محتاطانه باشد. در حال حاضر الگوی Gongo یعنی مجموعه های مردم نهادی که ارتباط معناداری با دولت دارند، در بعضی کشورها تجربه شده و این تجربه قابل سرایت در ایران است. حتی می توان به الگویی دست یافت که امکان جذب سرمایه گذار خارجی به شیوه امن را نیز فراهم کند. وقتی شرکت های کوچک تدریجاً به فعلیت رسید، ادغام این شرکت ها با هم با هدف ایجاد شرکت های بزرگ تر و تواناتر، گام بعدی است که باید برداشته شود.

### ضلع ششم: ایجاد بسیج سایبری با رویکرد محتوایی

بسیج سایبری با ارتش سایبری تفاوت دارد. بسیج سایبری، یعنی آموزش و به میدان آوری میلیونی مردم در جهت دفاع محتوایی از مرزهای ملی و دینی. در واقع، ما نباید نسبت به حمایت از ارزش های اسلامی و انقلابی در فضای مجازی و خنثی سازی هجمه هایی که به این ارزش ها می شود، سستی به خرج بدهیم؛ این در حالی است که در

سال های اخیر، یکی از نقاط تمرکز دشمنان ما عملیات روانی علیه افکار عمومی بوده است. در عین حال، وقتی صحبت از بسیج سایبری می کنیم، این بسیج اختصاصی به مردم ایران ندارد و می تواند همفکران ما در اقصی نقاط جهان که مهم ترین دغدغه آنها ارزش های الهی است را هم در درون خود جا دهد.

### برخی ملاحظات :

یکم. ممکن است سؤال شود که این شش برنامه اقدام کلان از یک جنس نیستند و لذا اتصال آنها به همدیگر چگونه قابل توجیه است؟ در پاسخ عرض می کنیم که هرچند همه این شش برنامه اقدام از یک جنس نیستند اما در موفقیت همدیگر نقش جدی ایفا می کنند؛ از طرف دیگر، این شش برنامه اقدام، عمده اهداف جمهوری اسلامی در فضای مجازی را پوشش می دهد.

دوم. در الگوی مطلوب و پیشنهادی ما، از ابتدا بنا به طرح جزئیات نبود ضمن آنکه روشن شدن خیلی از جزئیات و فرمول های بحث نیازمند شکل گیری مطالعات تکمیلی در این عرصه است که در جای خود باید انجام شود.

سوم. نباید تصور شود که بر اساس اصول راهبردی دهگانه ای که بیان شد، صرفاً می توان به همین الگویی که بنده ارائه دادم دست پیدا کرد؛ به بیان دیگر، ممکن است بر اساس این اصول، الگوهای دیگری هم قابل طراحی باشد.

چهارم. برای کسانی که درکی از نقاط قوت و مزیت های جمهوری اسلامی ندارند و بدبینی به داخل و ترس از غرب به ویژه امریکا وجودشان را فرا گرفته است، زمینه فهم مناسب این الگو و امکان تحقق آن وجود ندارد.

پنجم. این الگو در صورتی قابل تحقق است که بهره برداری از فرصت های بی نظیر فضای مجازی به اولویت اول کشور تبدیل شود و سرمایه بزرگی برای آن تأمین شود.

از اینکه با سعه صدر این سخنرانی را گوش دادید سپاسگزارم و امیدوارم بنده را از نظرات و راهنمایی های خودتان محروم نفرمایید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته